

فریم به فریم

تراشه‌های یک ذهن

محمدرضا حیدرپور



انتشارات افرو
ناشر تخصصی هنر و ادبیات

♦ سرشناسه : حیدرپور، محمدرضا، ۱۳۵۲ -

♦ عنوان و نام پدیدآور : فریم به فریم، تراشه‌های یک ذهن / محمدرضا حیدرپور.

♦ مشخصات نشر : تهران، افرو، ۱۳۹۸.

♦ مشخصات ظاهری : ۱۱۰ صفحه؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.

♦ شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۰-۵۷-۷

♦ وضعیت فهرست نویسی : چاپ

♦ موضوع : شعر سپید، قرن ۱۴

♦ موضوع : 20th century - Blank verse

♦ رده بندی کنگره : IR / ۰۱۲

♦ رده بندی دیویی : ۸۰۱ / ۶۲

♦ شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۱۸۰۶۲

♦ عنوان / فریم به فریم، تراشه‌های یک ذهن

♦ مؤلف / محمدرضا حیدرپور

♦ ناشر / نشر افرو

♦ نوبت چاپ / چاپ اول ۱۳۹۸

♦ گرافیک داخلی / غزاله ترکاشوند

♦ تیراژ / ۱۰۰۰ نسخه

♦ شابک / ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۰-۵۷-۷

♦ لیتوگرافی، چاپ، صحافی / دقت

♦ طراح جلد / محمدرضا حیدرپور

دفتر مرکزی : تهران - میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان وحید نظری، کوچه بختیاری، پلاک ۳.

واحد ۱

Gmail:afroodbook@gmail.com

تلفن : ۰۹۱۲۲۹۷۷۷۸۳

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

به جای مقدمه

در فرهنگ ما این کلام جایگاه ویژه‌ای دارد: «شنیدن کی آمد مانده دیدن». شاید از نگاهی فراتر این کلام، مفهوم جهان شمول‌تری پیدا کند و به عنوان آنچه در «ختیابی ذهنی و احساسی انسان» رخ می‌دهد این جمله می‌تواند مفهومی فراگیر داشته باشد. برای درک بهتر این جمله چیزی فراتر از یک کلمه‌ی چهارحرفی و مفهومی‌ست که در نگاه عامه وجود دارد. سینما ادوات است صدا و فراگیر در زندگی من که سایه‌ی سنگینش را در نگاه به پیرامونم، به زندگی فردی، در کلام احساس و از همه مهم‌تر در نوشته‌های من افکنده است. مدیوم سینما به عنوان هنر هفتم در تعریفی بسیار ساده و ابتدایی، حرکت ریتمیک تصاویر بیان می‌شود. عبور ۲۴ فریم در هر ثانیه از جلوی دیده‌گامان و تأثیری در پس لایه‌های ذهنی و احساسی ما.

شعر برای من به مثابه‌ی الگوی بی‌الگویی زندگی متفاوت که رهایی و آزادی را به ارمغان می‌آورد تعریف می‌شود و هنگامی که در کنار فریم‌های فیلم‌هایی که برای من جایگاه ویژه دارند قرار می‌گیرد، شعر، شعر تر و سینما، سینما تر می‌شود. برای ادعایی که کردم باید به نکاتی اشاره کنم. در فرهنگ غرب واژه‌ای به نام «آکفراسیس» وجود دارد که در معنای ساده‌ی آن می‌توان به نوشتن برای تصویر تعبیر کرد. کاری که در کمدی الهی دانته اتفاق می‌افتد و شاعران غرب در این زمینه کارهای برجسته‌ای را انجام داده‌اند.

در کتابی که پیش رویتان هست، به جنبه‌ی متفاوت و بدیعی از نگاه ادبی و تصویری توجه شده است. شخص، تک‌شعری و فریم‌های سینمایی را ندیده و نشنیده بودم. شعرهای این کتاب در طول سالیان چندانی کوتاه و نه چندان بلند گفته شده و جالبی این جریان برای شخص من این بود که توانستم این شعرها را با فیلم‌هایی که دیده بودم هماهنگ سازم. گویی بده بستانی در ذهن من بین فیلم‌هایی ندیده و شعرهایی که گفته‌ام شکل گرفته است بدون آن که آگاهی از این مورد داشته باشم. اتفاقی که در ناخودآگاه من روی داده است. مطمئنم بزرگان سینما در ذهن کهکشانی خود، لبریز از ادبیات و شعر و علمه‌های سال‌ها بوده‌اند و با نگاه بدیع خود آن‌ها را به حرکات ریتمیکی درآورده‌اند که نام فیلم را برآورد گرفته است و همین اتفاق خرسند هم در ذهن من به واسطه‌ی دیدن فیلم‌های آن‌ها به وجود آمده و تبدیل به شعر شده است. فرایندی معکوس. کسانی که فیلم‌های این مجموعه را دیده باشند شاید بتوانند به دیای ذهنی من در شعرها نزدیک‌تر شوند و تأویل و تفسیر خودشان را بکنند و حتی اگر هم نتوان باشند، تخریبی خواهد بود تا فیلم‌ها را ببینند و با شعرها بیشتر ارتباط برقرار نمایند. باز هم تکرار می‌کنم به دلیل این کتاب سعی نموده‌ام که شعرهای مینیمال خود را با تصاویر سینمایی همراه کنم. تا جایی که جماعت هنری من بود، تلاش کردم که مضمون فیلم با شعرها همخوانی داشته باشد.

در انتها جا دارد از بزرگواری که در پدیدآمدن این کتاب من را یاری و همراهی کرده‌اند تشکر کنم و سپاسگزار محبت‌های بی‌دریغشان باشم. خصوصاً دوست عزیزم خانم رضانی که اگر پیگیری‌های ایشان نبود این کتاب شکل نمی‌گرفت.